

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طاهره بنیاد شمس

۲۰۰۸.۰۹

انتخابات زیرپرچم امپریالیست ها در افغانستان

هفته های گذشته زیرنام انتخابات هیاهوی تبلیغاتی دربین مردم برپا شد. درشهرها ودهات سیل مردم به طرف صندوق های انتخاباتی با هزارحیله ونیرنگ کشانیده شدند.

مطبوعات امپریالیستی، ژورنالستان و رسانه های داخلی برسازوبرگ این انتخابات را برای رأی دهندگان وکاندیدشدگان راه انداختند. درزیرنام به اصطلاح " دموکراسی" با بوق وکرنا تبلیغات نمودند که درفضای دموکراتیک مردم به رأی دادن مشغولند. کاندید شدگان همه خود را منجی عدالت اجتماعی ودموکراسی معرفی نموده ومی گویند درراه اصلاحات کوشا خواهند بود. زهی خیال باطل! آنها چطورمی توانند دست به فریب مردم بزنند. این اولین انتخابات نبوده وآخرین انتخابات نیز نخواهد بود که خاک درچشم مردم غیورافغانستان می زنند وبه دروغ گویی وسخن پردازی متوسل می شوند. مردم افغانستان چه نتیجه مثبت ازانتخابات قبلی که صادقانه دریای صندوق های رأی رفتند، گرفته اند که حالا دراین انتخابات فرمایشی واوج انارشی وبمباردمان های خانمانسوزبگیرند. زیرا مردم خوب می دانند که گوشت دم توپ امپریالیست ها وجنگ تحمیلی قراردارند وهمچنان مردم آگاه شده اند ومی دانند که رژیم کشتار، بمبارد به سرگردگی امپریالیست امریکا وبقیه امپریالیست ها زیرنام آیساف درافغانستان هجوم آوردند یعنی ۴۱ مملکت امپریالیستی. پس انتخابات درچنین شرایطی چه مفهومی خواهد داشت. رژیم دست نشانده کرزی دراین مدت چهارسال چه ارمغان را برای مردم آورده است که رژیم دگری بازهم زیرپرچم امپریالیست ها، رفاه را تقدیم مردم نماید؟ درچنین حالت اختناق وکشت وکشتارنه انتخابات، نه شوری ونه دموکراسی برای مردم معنی ومفهومی دارد. دولتی که خودش وابسته به امپریالیست ها باشد ومملکت استقلالش توسط امپریالیست ها به سرکردگی امپریالیسم امریکاپامال شده باشد نه انتخابات ونه دم ودستگاه دیگرددولتی کاری را برای رفاه عامه انجام نخواهند داد. چون دولت خودش وابسته عام وتام اقتصادی، سیاسی می باشد وبدون رهبران متجاوزخود استقلال اقتصادی وسیاسی نیزنداشته وگوش به فرمان بادران خود می باشند.

رژیمی- که برپایه بی حقوقی انسان ها به خصوص زنان بناء یافته است.

رژیمی- که زیرنام بازسازی به حکم بادران خود می چرخد.

رژیمی – که هرلحظه می خواهد به قول خودشان وغفتارکرزی با تروریستان طالبی مصالحه نماید.

رژیمی- که حق وحقوق مردم را پامال می کند.

رژیمی- که فقر و بدبختی مردم را چاره نمی تواند.

رژیمی- که برای فقر زنان و کودکان را در شرایط ناهنجاری که بالاتر به ۹۵ فیصد رسیده است، کاری انجام داده نمی تواند.

رژیمی- که خودش از دامن بنیاد گراها از لحاظ قضایی و سیاسی تغذیه می شود.

رژیمی- که مسأله زنان برایش مفهومی نداشته و قانون کثیف ضد زن را تصویب می نماید.

رژیمی- که نود فیصد مردمش از بیکاری، بی خانمانی و بدبختی به هزاران مشکلات دست و پنجه نرم می نماید، کاری را برای مردم به پیش برده نتوانسته و نخواهد توانست.

رژیمی- که بر مبنای وعده ها و دروغ های متواتر بنا یافته است.

رژیمی- که نه در پشت پرده بلکه عیان برای مردم امپریالیست ها کار می کند.

رژیمی- که فکرمی کند امپریالیست ها افغانستان را به یک رژیم دموکراتیک تبدیل خواهند کرد.

رژیمی- که در آن زنان جامعه از فقر به طرف فحشا کشانیده شده اند.

رژیمی- که از بیسوادی ۹۸ فیصد مردم خبر ندارد.

رژیمی- که فقط روی تبلیغات منفی و دروغ گویی توسط دم و دستگاه صوتی و نشراتیش مردم را فریب می دهد.

رژیمی- که مرد سالاری را در جامعه تقویت نموده و ماده های قانونش ضد زنان است.

رژیمی - که سرک و خیابان، کثافت شهر و از نظافت شهر خبر ندارد.

رژیمی - که از شکم گرسنه و بیکاری زنان و به خصوص روال زندگی غیر عادی اطفال خبر نداشته در آن زمینه کاری را تا به حال انجام نداده است.

رژیمی - که افغانستان را به گداخانه تبدیل نموده و دستش به گدایی باز است.

رژیمی - که کشت مواد مخدر را در تمام افغانستان نسبت به پیشتر بیش تر و بیش تر گردانیده است

رژیمی - که جوانش به مواد مخدر مبتلی اند بی تفاوت می باشند.

رژیمی - که به صحت ، بیمارستان و دارو و درمان مردم گام مثبت برنداشته است.

رژیمی - که توسط دم و دستگاه بنیاد گراییش زنان را درخواستی ای به حق شان در تظاهرات لت و پارمی نماید.

پس مردم چطور می تواند با عشق و علاقه به زندگی خود ها دوام بدهد. فقر بیاد می کند، زمین و زمان از کثافات به کثافت دانی مبدل شده است. از میلیونرها و دزدان حرفه ئی دفاع و بقیه مردم به حال خودشان رها شده اند.

برای نشان دادن به آرایش دموکراسی و انتخابات قلابی تعدادی از زنان به کارهای دولتی استخدام شده اند که همه اش نمایش بیش نیست. و دوزن نیز کاندید سمبلیک انتخابات می باشند که در سطح جامعه به اصطلاح زنان حضور پیدا نمایند، اما ذره ای از لحاظ حقوقی، حق مساوی با مردان شامل حال خودشان نیست. حتی دو خانم کاندید شده خوب می دانند که در شرایط جامعه مرد سالار، قانون ضد زن و شریعت اسلامی مانع انتخاب آنان می باشد.

زیرا تازمانی که دین در سیاست دخالت دارد به عقب رفتن جامعه امری طبیعی است و زنان چوب قانون شریعت اسلامی را خورده و می خورند. این وعده و وعید ها برای زنان جز فریب انتخاباتی چیز دیگری نیست.

قانون سازان چیزی بیشتر از این ندارند جز اینکه می گویند حقوق زنان مساوی مردان است. و باید در انکشاف اصلاحاتی شرکت نماید. و از قانون و اجرای آن در جامعه حمایت کند اما این رژیم ابداً از قانون ضد انسانی و اسلامی که هر ماده آن به اسلام ربط دارد و به خصوص قانون ضد زن می باشد در قانون اساسی چه در قوانین مدنی و چه قوانین مجازات اسلامی حتی روی کاغذ چیزی را تحریر ننموده اند که توسط آن به حقوق زنان رسیدگی نموده و دفاع به عمل آورد.

اکثر کاندید شدگان ادعای برابری مردان و زنان می نمایند. ولی راه های حل این درد مضمّن را ناگفته گذاشته اند. پس معلوم نیست که مسأله جنسیت در کدام میزان تعیین خواهد شد.

انتخابات نشان می دهد که ۹۵ فیصد مردم و ۹۸ فیصد زنان از جمع این مردم در جامعه بیسواد مانده اند. چطور از این نیت خوب مردم سوء استفاده می کنند و مردم ناآگاه را به چرب زبانی و بازار سبزو سرخ نشان دادن به پای صندوق های رای می کشانند، ولی با وجود آنهم اکثریت مردم می دانند که همان آش است و همان کاسه و هیچ ربطی به اراده مردم و شرکت آنان در انتخابات ندارد. چون ما در رژیم قبلی دیدیم که صدها زن زیر ستم دوگانه و تحت ستم سه گانه شدیداً قرار داشته و هیچ کسی از آنان حمایت نکرده است. خشونت دولتی و اجتماعی و خانوادگی علیه زنان به درجه ای رسیده است که فریاد زنان همیشه در محاکم و دم و دستگاه دولتی بلند می باشد. ما خوب دیدیم که اعتراض زنان علیه قانون ضد زن به شکلی به خاک و خون کشانیده و سرکوب شدند، ما خوب دیدیم که اعتصاب زنان در دایکندی در ضدیت با حکومت به کجا کشانیده شد و ما همچنان شاهد تظاهرات دانشجویی در پوهنتون کابل بودیم که برای دفاع مردم شهر فراه در شهر بابلوک فریاد می زدند آنهاکه علیه رژیم دست نشانده امپریالیست و به خاطر بمباردمان امپریالیست ها دست زده بودند، آنها علیه متجاوزان به خاطر آنکه خانه های مردم را ویران نموده و زنان و طفلان و دختران را آغشته به مواد شیمیایی نموده اند، برخاسته بودند.

این جنبش ها، فریاد ها و حرکت ها خود نشان دهنده نارضایتی مردم بیگانه ما می باشد. زنان و دختران در هرکوی و برزن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و می گیرند، زنان چه در خانه و چه در اجتماع تحقیر می شوند، زنان چه در خانه و چه در اجتماع لت و کوب شده سرزنش می گردند. کجاست قانونی که از آنها در محکم و قضاء دفاع نماید؟ این حکایت ها چنان نفرت انگیز و ضد زن است که حد و اندازه ندارد. پس بعد از انتخابات به اصطلاح دموکراتیک کدام وجدانی جایگزین کرزی خواهد شد که در این شرایط با معضلات مهم جواب گو باشد. مملکتی که از الف تا یای آن دستخوش تجاوز امپریالیستی است، کدام وجدان باشد که تحت لوای آن رئیس جمهور دست نشانده شود، برای اینکه کاری از دستش ساخته نیست و نشانه بارز آن کرزی و رییس جمهور های پیشین می باشد. این نمونه های بنیاد گرایی که همیشه با چنگ و دندان جامعه را مرد سالار و ضد خواسته های برحق زنان نگاه می دارد و از سنت های قبیله ای دفاع کرده و زیر نام دموکراسی و آواز آزادی خواهی مردم ما را با توپ و تانگ و بمباردمان جواب گومی باشد. شرم و ننگ بر چنین جانیان قاتل در قرن ۲۱ باد.

امپریالیسم هر حرکت و جنبشی را مهر تروریستی و طالبی می زند و برای حفظ منافع اقتصادی و استراتژیک خود با همکاری دولت دست نشانده خود به هر نوع جنایات و تخریب شهر ها و قریه ها و بدبختی مردم و به خصوص دختران و زنان دست زده و می زند و برای شان مردم افغانستان ذره ای اهمیت ندارد. آنها به سرمایه جهانی خود فکری نمی کنند. پول و سرمایه امپریالیستی است که جهان را و مردم جهان را به خصوص قلب آسیا را به خاک و خون کشانیده و دست چپاول برای غارت منابع منطقه دست دراز نموده است.

مردم ما خوب واقف اند که به خاطر حفظ منافع امپریالیستی، خانواده ها چه از مرد و زن و چه از طفل و بزرگ چه پیر و جوان توسط جنگ خانمان سوز از دست می دهد. نه به خاطر جنگ با طالبان. برای اثبات این قضیه می گویم که خود رئیس جمهور کرزی واضح و درملاً عام می گوید: " ما با طالبان میانه رومصلحه می نمایم." و از یک طرف به قول اخبار و نشرات ملاحظه اعلی می کند که ما طالبان هستیم و میانه روند داریم. از طرف دیگر ژورنالیستی فیلمی را در برنامه تلویزیونی ART اردوگاه نظامی طالبان را که از بچه های ۱۲ ساله تا ۲۵ ساله را تربیه نظامی و انتحاری می نمایند به نمایش می گذارد.

پس معلوم داراست که معامله دوجانبه بوده و در غیر آن ریشه های نظامی و اقتصادی طالبان قطع میشد در مدت کوتاهی از شر این دارودسته امپریالیستی و توطئه طالبان مردم افغانستان نجات پیدا می کرد و در آینده از هر ۴۱ نفر کاندید اگر یکی از آنها انتخاب گردد، حتمی در این زدوبند ها شرکت داشته و دست دشان به خون مردم آغشته است.

حاکمیت زن ستیز اسلامی همیشه بر ساختار اجتماعی و فرهنگی و تربیتی استوار می باشد و به خصوص بر آزادی زنان و روابط خصوصی و اجتماعی زنان سنگینی می کند و یک عینیت زنده اجتماعی بوده که به کل شئون زندگی زنان دخالت داشته و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی زنان را تحت شعاع قرار داده است. مثلاً:

۱. باورهای مذهبی به خاطر ریشه داشتن در جوامع به صورت سنت درآمده و مقاوم شده اند.
 ۲. سنت ها به عنوان باورها و اعتقادات خرافی در طول حیات مردم سالاری، نابرابری، بی حقوقی، فرودستی وزن ستیزی را صحنه گذاشته و با آنها مشروعیت بخشیده است.
- فلهذا کاندیدان کور خوانده اند که در یک جامعه طبقاتی که اکثریت مردم آن در فقر عمیق زندگی می نمایند، ادعا کنند که ما برای مردم خود دموکراسی و عدالت اجتماعی را تحقق می بخشند. فقط مبارزه پر قدرت مردم و زنان می تواند یک جامعه آزاد و بی طبقه را ایجاد نماید.